**پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی**

مطالعۀ دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی ایران

بر اساس گزارش روزنامۀ اطلاعات

(بهمن 1357- بهمن 1363)

مریم پیمان[[1]](#footnote-1)

سیدعبدالامیر نبوی[[2]](#footnote-2)، ثریا احمدی[[3]](#footnote-3)

**چکیده:**

مهم‌ترین تحول در تاریخ دانشگاه‌های ایران پس از انقلاب «انقلاب فرهنگی» است. اغلب مطالعات موجود انقلاب فرهنگی را به یک «واقعه» و محدود به چند روز درگیری در دانشگاه‌های سراسر کشور تقلیل می­دهند که منجر به تعطیلی مراکز مختلف آموزش عالی شد. مطالعۀ حاضر تأکید می‌کند ریشه‌های انقلاب فرهنگی به زمان وقوع انقلاب ایران بازمی‌گردد و فقط به تعطیلی دانشگاه‌ها منجر نشد، بلکه به تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسساتی در کهکشان آموزش عالی ایران منجر شد که برآمده از نیازهای جامعۀ ایران و ایده‌ها و آرزوهای انقلابیون بود. به علاوه، پژوهش‌های پیشین بر تأسیس دانشگاه‌های امام صادقو تربیت مدرس به عنوان دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی تأکید می‌کنند، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد مراکز بیشتری مولود انقلاب فرهنگی ایران بوده است و این مراکز جدید بازتابی از خواسته‌ها و نیازهای جامعه از سیستم آموزش عالی و هم‌چنین ایده‌های حکومت دربارۀ نظام دانشگاهی است. مقاله حاضر با رویکرد تاریخی و بر اساس بازخوانی 31710 صفحۀ روزنامۀ اطلاعات (در قالب 1745 شماره) در بازۀ زمانی 12 بهمن 1357 تا 12 بهمن 1363 به بررسی، معرفی و توصیف مراکزی می‌پردازد که با تأیید ستاد انقلاب فرهنگی، برای تحقق الگوی علم اسلامی یا پاسخ به نیازهای جامعه، راه‌اندازی شدند.

**واژگان کلیدی:**

انقلاب فرهنگی، دانشگاه، آموزش عالی، انقلاب ایران.

**مقدمه**

جایگاه و تاریخ آموزش عالی در ایران در پژوهش‌های بسیاری بررسی شده و درباره نقاط عطف آن مانند تأسیس دارالفنون، تأسیس دانشگاه تهران و روند ایجاد دانشگاه در شهرستان‌ها در پیش از انقلاب بحث شده ‌است. تعداد قابل توجهی از این مطالعات به دوره پس از انقلاب نیز پرداخته‌اند و مهم‌ترین نقطۀ عطف سیستم آموزش عالی پساانقلابی را «انقلاب فرهنگی» خوانده‌اند؛ انقلابی در نظام آموزشی دانشگاه‌ها که قصد داشت شکل و محتوای دانشگاه‌های ایران را تغییر دهد. در واقع، امروزه ده­ها متن مکتوب در قالب­های گوناگون (کتاب، مقاله، پایان­نامه، رساله، یادداشت، مصاحبه) در اختیار داریم که با نگاه­هاي مختلف به بررسی و تحلیل ریشه­ها، فرآیند و پیامدهای انقلاب فرهنگی پرداخته­اند و تأثير آن را بر حيات آموزش عالي ايران بررسي كرده­اند.

با این­حال، به­رغم آن همه بررسی و تمرکز، به نظر می­رسد این تحول مهم هنوز به­صورت همه­جانبه مطالعه نشده و به­ویژه بیشتر یافته­ها حاوی نوعی بی­دقتی یا شتابزدگی است. برای نمونه، ادبیات پژوهشی موجود دربارۀ انقلاب فرهنگی گاه ریشه‌های این رویداد را در پیام نوروزی امام خمینی در سال 1359 و درگیری‌های چهار روز منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها جستجو می­کنند (به­عنوان نمونه؛ طاهری‌کیا، 1395: 177-200)، اما با توجه به مستندات به نظر می‌رسد برای مطالعۀ ریشه‌های انقلاب فرهنگی لازم است دورۀ زمانی مطالعه را به عقب‌تر، یعنی زمان وقوع انقلاب اسلامی بازگرداند (شرف‌زاده، 1383: 20-23)، کمااینکه برای فهم پیامدهای آگاهانه و ناآگاهانه (خواسته/ ناخواسته) آن، مطالعه را بایستی دست­کم تا بهمن 1363 ادامه داد. از سوی دیگر، پژوهش‌های موجود بیشتر به ادغام و انحلال دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی به مثابۀ پیامد عامدانۀ انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند، بماند آنکه تک‌نگاری دربارۀ دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی نیز جامع نبوده و صرفاً بر تأسیس دانشگاه­های تربیت مدرس و امام صادق تأکید شده است.

حال، مطالعۀ حاضر قصد دارد با بازخوانی منابع موجود، روایتی دقیق­تر از یک بخش این تحول مهم ارائه کند و نشان دهد در کنار انحلال و ادغام برخی دانشگاه­ها نمی­توان پیامد دیگر آن؛ یعنی تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های جدید را ساده گرفت. به­عبارت دیگر، این نخستین سازه‌های انقلاب فرهنگی به ادعای متولیان امر، «الگوهای دانشگاه اسلامی» (*اطلاعات*، 24/3/1359) در «طرح نظام اسلامی دانشگاهی» (*اطلاعات*، 1/3/1359) بوده‌اند و شامل دانشکدۀ انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (ملی)؛ مدرسۀ علوم قضائی و تربیتی قم؛ دانشگاه‌های اهل سنت، امام صادق؛ علوم اسلامی رضوی (دانشگاه اسلامی مشهد)؛ تربیت مدرس؛ آزاد اسلامی؛ دانشگاه بین‌المللی اسلامی؛ و نیز ایده‌ مبهم دانشگاه قدس می­شدند. نکته مهم آنکه فارغ از مدارس عالی، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و دانشسراهای تربیت معلم و انیستیتوهای متنوع و مراکز آموزشی زیر نظر دیگر نهادهای دولتي و حکومتی[[4]](#footnote-4)، این دانشگاه‌ها و مؤسسات جدید در زیرمجموعۀ نظام آموزش عالی و زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی تعریف شدند. البته تأسیس دانشکده‌های جديد به­ويژه پزشكي در دانشگاه‌های موجود (*اطلاعات*، 23/2/1358)، توسعۀ دانشگاه‌های بزرگ کشور ناشی از ادغام دانشکده‌ها و مدارس عالی پیش از انقلاب در آنها (*اطلاعات*، 13/4/1358 و 14/8/1358) و هم‌چنین انحلال بسیاری از مراکز پژوهشی (*اطلاعات*، 7/5/1359) و تولد دوبارۀ آنها در قامت مراکزی در نظام علم ایران نیز از دیگر تغییرات در نظام آموزش عالی پس از انقلاب 57 بود.

بنابراین، تغییرات یادشده در کل و تأسیس نهادهای جدید به­طور خاص گویای آن است که موج درگیری­ها در سال 59-1358 بار دیگر یک مسئله را پیش روی دانشگاه مطرح کرده بود؛ دانشگاه پس از انقلاب باید چگونه باشد؟ و علم انقلابی و اسلامی چه مختصاتی دارد؟ در واقع، این دو پرسش اساسی دانشگاه را در بهار 1359 با همان مسئلۀ اسفند 1357 مواجه کرد. در پاسخ به این مسئله رهبران و فعالان انقلابی برای ساخت نمونه‌هایی از دانشگاه مطلوب خود تلاش‌ کردند و مراکز متعددی را با هدف ترویج علم اسلامی،[[5]](#footnote-5) تربیت مدیران انقلابی و پرورش دانشجویان به شیوۀ اسلامی بازنگری کردند. همزمان، نکته مهم دیگری وجود داشت که اثر مهمتری بر روند رویدادها برجای گذاشت و آن، نیازها و انتظارات عمومی از آموزش عالی بود. این مسئله در تاریخ­نگاری انقلاب فرهنگی اغلب نادیده گرفته می­شود و تقریباً همه مطالعات موجود صرفاً به اهداف «سیاسی» و «ایدئولوژیک» پیدایی دانشگاه­های جدید نظر دارند، در حالی­که اهمیتی کمتر ندارد. لذا ادعای مقاله حاضر آن است که ترکیب همزمان «انحلال / ادغام» و «تاسیس» این مراکز، روند تحولات آموزش عالی را در چارچوب انقلاب فرهنگی پیش می­برد.

برای این هدف، خوانش دقیق روزنامۀ اطلاعات و جمع‌آوری مضامین مرتبط با این سازه‌های جدید، به عنوان محصولات انقلاب فرهنگی و ایده‌آل‌های نظام دانشگاهی بعد از انقلاب اسلامی، صورت گرفته است. دلایل انتخاب روزنامه اطلاعات به عنوان منبع اصلی چنین بود: اول آنکه، این روزنامه در بازه زمانی مورد بررسی (1357 تا 1363) هیچ­گونه تعطیلی یا وقفه در انتشار نداشته است. دوم آنکه، در کل و به خصوص در این بازه زمانی کمترین تغییر مدیریتی را تجربه کرده است؛ یک­بار تغییر مدیریتی (انتخاب سیدمحمود دعایی به سرپرستی روزنامه اطلاعات در 21/2/1359) و درنتیجه وجود نوعی ثبات، برخلاف سایر روزنامه­ها، سبب می­شود محتوای آن کمترین تأثیر را از تنش‌های ناشی از چنین تغییری را داشته باشد که برای توضیح پدیده انقلاب فرهنگی که خود مقوله‌ای چندگانه و متأثر از حداقل پنج عنصر رهبری، دولت، قوه قضائیه، مجلس و ستاد انقلاب فرهنگی است، یک حسن تلقی می­شود. سوم آنکه، علاوه بر حجم فراوان مطالب در قالب­های گوناگون (سرمقاله، خبر، تصویر، گزارش، یادداشت و معرفی کتاب) در صفحات مختلف، تنها روزنامه­ای است که در دو بازه 1359 و 1361-1363 صفحه ثابتی به موضوع انقلاب فرهنگی و مباحث مرتبط با آن اختصاص داده است. در واقع، حجم مطالب چنان زیاد و متنوع است که به ناچار تمام صفحات روزنامه بایستی بررسی می­شد. در این چارچوب، 31710 صفحۀ روزنامۀ اطلاعات (در قالب 1745 شماره) در بازۀ زمانی 12 بهمن 1357 تا 12 بهمن 1363 مطالعه و فیش­برداری شد. البته در این روزنامه محتواهای متکثر و متعدد بسیاری وجود دارد که به دلیل نبود نرم‌افزارهای جست‌وجو به‌صورت دستی بررسی شده‌اند.

**زمینه‌های ظهور دانشگاه‌های نوین**

چنان­که می­دانیم، در 14 بهمن 1357؛ یعنی تنها دو روز بعد از ورود امام خمینی(س) به ایران، مسئول تصمیم‌گیری دربارۀ مدیریت دانشگاه‌ها بر عهدۀ «شورای نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران عضو سازمان ملی دانشگاهیان ایران» معرفی می‌شود (*اطلاعات*، 14/11/1357). امام خمینی(س) هرچند پس از اعتصابات سراسری[[6]](#footnote-6) بازگشایی دانشگاه‌ها را ضروری دانست، اما در دیداری با دانشگاهیان اختیار زمان بازگشایی دانشگاه‌ها را به خودشان واگذار کرد (*اطلاعات*، 28/11/1357). علی شریعتمداری، وزیر علوم و فرهنگ و هنر دولت موقت، نیز اشخاص تشکیل‌دهندۀ «رکن اساسی دانشگاه‌ها» را برای ادارۀ دانشگاه صاحب صلاحیت می‌داند که بعد از تهیۀ لایحۀ نهایی استقلال دانشگاه‌ها «مستقیماً» و با «تائید آنها» هیئت دولت تنها «برای پیدا کردن جنبۀ قانونی» مداخله خواهد کرد (*اطلاعات*، 7/12/1357). با اين حال، شورای انقلاب در 13 اسفند همان سال انحلال هیئت امنای تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی را اعلام می‌کند و سرپرستان جدیدی برای دانشگاه‌ها انتخاب می‌شود (*اطلاعات*، 14/12/1357). بدین ترتیب، آغاز دوبارۀ کار دانشگاه‌ها بعد از انقلاب با مدیریت شورای انقلاب و دولت رقم می‌خورد و «از اسفند 57 و در طول سال 58 دانشگاه‌ها به‌صورت شورایی اداره» می‌شود (فراستخواه، 1388: 525). تداوم تحولات در سال 1358 به انقلاب فرهنگی در بهار 1359 می‌انجامد و دانشگاه‌ها تعطیل و تأکید می‌شود «تا تدوین طرح آموزش اسلامی باید تعطیل بمانند» (*اطلاعات*، 26/3/1359).

در خلال این تحولات، بحث­های مهمی در میان گروه­ها و فعالان سیاسی و فرهنگی در جریان است که اتفاقاً در تعیین سمت‌وسوی رویدادهای بعدی مؤثر است؛ بحث­هایی که ذهنیت­ها، انتقادات و انتظارات از نهادهای آموزش عالی را نشان می­دهد و جالب آنکه بخش مهمی از آنها سویه سیاسی و ایدئولوژیک ندارد.

یکی از نخستین یادداشت­ها مربوط به 23 اردیبهشت 1358 است بدون آنکه در آن حرفی از انقلاب فرهنگی در دانشگاه­ها به میان آید: «چون عدۀ زیادی از بهترین فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور هم‌اکنون بیکار هستند و با آمدن عدۀ بیشتری از آنها از خارج از کشور هر روز بر تعداد این عده افزوده می‌شود و طبعاً نارضایتی ناشی از بیکاری هم هر روز بیشتر می‌گردد و از طرفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی موجود در کشور نمی‌توانند تکافوی داوطلبان و مشتاقان تحصیلات عالی را بنمایند، بهتر است که به افرادی که دارای صلاحیت علمی هستند اجازۀ تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های خصوصی در رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد داده شود برای این که این نوع مؤسسات از نظر هزینه باری بر دوش بودجۀ دولت نباشند» (*اطلاعات*، 23/2/1358).

در 17 مرداد 1358 هم «دعوت برای تأسیس دانشگاه آزادگان» (*اطلاعات*، 17/5/1358) منتشر می­شود: «در جهت تحکیم انقلاب و سازندگی جامعه اینک که صدها هزار نفر از جوانان و سایر مشتاقان دانشگاه راه نمی‌یابند به منظور تربیت افراد متخصص مورد نیاز کشور در نظر گرفته شد دانشگاهی در دو نوبت صبح و عصر به تدریج با توجه به مقدورات موجود با دوره‌های فوق‌دیپلم لیسانس فوق‌لیسانس در رشته‌های علوم تجربی - علوم اجتماعی - علوم تربیتی - علوم انسانی و ادبیات - علوم و فنون کشاورزی و نیز دوره‌های کوتاه مدت برای رفع احتياجات فعلی مملکت در رشته‌های مددکاری اجتماعی - خدمات شهری - خدمات اداری - خدمات روستائي- روستا معلم و ... تأسیس نمائیم».

یک­ماه بعد در یادداشتی با عنوان «برای جذب کنکورزده‌ها دانشگاه بسازید» آمده است: «می‌دانیم که امسال در برابر ۵5۰ هزار نفر داوطلب آموزش عالی، دانشگاه‌ها فقط ظرفیت پذیرش ۳۰ هزار دانشجو را دارند. مسأله مهم این است که تکلیف 520 هزار نفر دیگر که با درهای بسته روبرو خواهند شد چیست؟ و اصولاً چرا امسال داوطلب آموزش عالی به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است؟ در مورد اخير به اعتقاد من دلیل عمده این امر، تأثير معنوی انقلاب بزرگ اسلامی ماست که جوان‌ها به «شدن خویش»، بیش از پیش اهمیت می‌دهند و برخلاف برخی از مسئولان امور، تصور نمی‌کنم که لزوماً دلیل این افزایش، مدرک‌گرائی باشد» (*اطلاعات*، 18/6/1358).

چنین مطالبی نشان می­دهد که تأسیس دانشگاه‌های نوین بعد از انقلاب فرهنگی تنها ناشی از خواست حاکمیت و انقلابیون برای شکل‌گیری دانشگاهی بر اساس مدل مطلوب اسلامی نبوده است، بلکه می‌توان این دانشگاه‌ها را تا حدودی ناشی از نیاز جامعه برای پاسخ به داوطلبان ورود به دانشگاه، اشتغال‌آفرینی برای فارغ‌التحصیلان و دیگر مطالبات مردم از دانشگاه انقلابی نیز دانست. از سوی دیگر، اقلیت‌ها و گروه‌های نادیدۀ جامعه هم از نظام علمی جدید مختصات ویژۀ خود را طلب می‌کردند؛ مذاکره دربارۀ ایجاد دانشگاه‌های اهل سنت (*اطلاعات*، 28/2/1359)، دانشگاه‌هایی که زبان‌های محلی را تدریس کنند (*اطلاعات*، 16/3/1358) و دانشگاه‌هایی که در مناطق محروم موجب رونق منطقه شوند (*اطلاعات*، 12/3/1358) از مصادیق مطالبات مردمی از نظام آموزش عالی در سال 1358 بود.

**تلاش­هاي نخستین**

با تصویب لایحۀ ادغام دانشگاه‌ها در 14 آبان 1358 این مؤسسات از پذیرش دانشجو بازداشته شدند (*اطلاعات*، 8/11/1358) و سپس به‌صورت مشروط توانستند دانشجو پذیرش کنند (*اطلاعات*، 29/11/1358). همزمان، مطالبۀ اصلی دانشجویان انقلابی پاکسازی، تغییر محتوای دروس و تدریس دروسی متناسب با مفاهیم انقلابی و «تجدید ساختار دانشگاه‌ها بر اساس سنت حوزه‌های علمیه» و «ترکیب تخصص با تعهد» (Mojab, 1991: 217) بود. به این ترتیب، باید توسعه و ایجاد دانشگاه‌های مورد تأئید جمهوری اسلامی ایران زودتر در برنامۀ کاری قرار می‌گرفت تا به مطالبات پاسخ داده می‌شد. با این حال، دانشجویان انقلابی گوی سبقت را از دولت ربودند و خود دست به کار شدند.

با اینکه غلام‌عباس توسلی، رئیس دانشگاه اصفهان، خبر از «تأسیس دانشکده حقوق اسلامی» با رشته‌های «حقوق اسلامی، ایدئولوژی و معارف اسلامی، جامعه‌شناسی و سیاست و حکومت در اسلام» داده بود (*اطلاعات*، 21/5/1358) نخستین اقدام را دانشجویان دانشگاه ملی در 23 اسفند 1358 سامان دادند. آنان «با در اختیار گرفتن قسمتی از دانشکدۀ علوم اقتصادی و سیاسی این دانشگاه، موجودیت دانشکدۀ انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی را اعلام کردند». دانشجویان «پیشگام» این اقدام را «توطئه‌ای علیه جنبش دانشجویی» معرفی کردند، اما انجمن اسلامی اعلام کرد: «این عمل را با مشورت عده‌ای از جمله حوزۀ علمیۀ قم انجام داده است» (*اطلاعات*، 26/12/1358). در سالگرد تأسیس این دانشکده هم شورای دانشکدۀ انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «۲۱ اسفند سالگرد تأسیس دانشکدۀ انقلاب اسلامی است. دانشکده‌ای که دستاورد هجرت دانشجویان مسلمان دانشکدۀ علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی است. هجرتی که جو تهی از تقوی و علم دانشکده بر آنان تحمیل نموده بود. و آنگاه با توکل به الله حرکت خویش را آغاز نمودند تا بتوانند دانشکده‌ای را پایه‌ریزی نمایند که در آن ارزش‌های اصیل اسلامی حاکم باشد» (*اطلاعات*، 23/12/1359).

**سازه‌های آگاهانه انقلاب فرهنگی[[7]](#footnote-7)**

در سال 1357، بنا به اعلام رسمی «حدود 220 دانشگا‌ه»، 175 هزار نفر دانشجو را پذیرش کرده بودند (بذرافشان، 1391). البته در فضای انقلابی حاکم بر کشور، دانشگاه‌ها به محلی برای رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شده بود. به تدریج ساختار‌ها و مراکزی جدید در جامعۀ دانشگاهی پدید آمد که به ترتیب تاریخ طرح در روزنامۀ *اطلاعات* آورده می­شود.

1. **مدرسۀ عالی علوم قضایی و تربیتی قم**

این مدرسه، نخستین مؤسسه عالی تأسیس‌شده بعد از انقلاب اسلامی است و شاید دلیل تأسیس آن را بتوان در نخستین نیاز جامعۀ انقلابی یافت؛ چه آنکه بر اساس مطالبات بهمن و اسفند 1357 قضاوت درباره سران و مدیران نظام پیش از انقلاب و مجازات آنان از اولویت‌های جامعه می‌شود. از این‌رو، سیستم جدید باید افراد با صلاحیت و مورد تائید خود را به سراسر کشور معرفی می‌کرد. نخستین نشان از تأسیس چنین مرکزی در مصوبۀ 29 دی 1358 شورای انقلاب دیده می‌شود (وب­سایت مرکز پژوهش­های مجلس) و اندکی بعد در خبری می‌خوانیم: «به علت نیاز مبرم به قضات شایسته طبق تصویب شورای انقلاب مدرسۀ عالی قضائی و تربیتی توسط جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیۀ قم در این شهر تأسیس می‌شود تا با استفاده از تحصیلات پرمايه و آزاد طلاب افراد واجد شرایط طبق برنامه و شرائط مقرر با سمت قاضی در قوه قضائیه شرکت کنند» (*اطلاعات*، 18/2/1359).

فعالیت این مدرسه غیرانتفاعی که در 18/11/1363 به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید (وب­سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی)، «به عنوان یکی از مؤسسات آموزش عالی رسمی زیر نظر جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیۀ قم» فعالیت می­کرد (*روزنامه رسمي*، 15/10/1365)، از میان دارندگان دیپلم در آزمونی اختصاصی دانشجو می‌پذیرفت (*اطلاعات*، 5 و 22/9/1363) و ابتدا مهدی قاضی از سوی آیت‌الله بهشتی متولی ادارۀ آن شد. «رفته‌رفته با افزايش حجم دانشجويان، اساتيد و کارمندان مدرسۀ عالي قضايي و تنوع رشته‌هاي آموزشي، پيگيري براي تبديل وضع مدرسۀ عالي قضايي به يک دانشگاه دولتي آغاز شد و در تاريخ 31/3/1376 با تصويب شوراي گسترش آموزش عالي مدرسۀ عالي تربيتي و قضايي طلاب به دانشگاه قم تغيير وضعيت داد» (سايت دانشگاه قم).

گفتنی است که در همان زمان نامی مشابه؛ یعنی دانشکده علوم قضایی؛ نیز مطرح شده بود که در سال ۱۳۶۱ و با پذیرش اولین دورۀ دانشجو در رشتۀ علوم قضایی تأسیس گردید. مصوبه تاسیس این دانشکده به سال 1356 برمی­گشت (سایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری) و بعد از انقلاب با «تأکید شهید بهشتی»، با توجه به نیاز دادگستری به کادر برای «پیاده شدن احکام اسلام در تمامی زمینه‌های اجتماعی و استقرار عدل اسلامی در جامعه» و به ریاست نجفقلی حبیبی تأسیس ‌شد (*اطلاعات*، 1/4/1361). هر چند ساختمان آن ابتدا در دانشکدۀ حقوق دانشگاه تهران بود، اما زیر نظر شورای عالی قضائی با آزمونی اختصاصی دانشجو می‌پذیرفت (*اطلاعات*، 29/2/1363 و 19/4/1363). از آن‌جایی که این دانشکده زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار نداشت، بیش از این بدان نمی­پردازیم.

1. **دانشگاه اهل سنت**

سخن از ایجاد دانشگاهی برای اهل سنت با عنوان «دانشگاه اسلامی» در سیستان و بلوچستان یا کردستان نخستین­بار در اواخر اردیبهشت 1359 مطرح شد: «امام با تأسیس دانشگاه اسلامی در سیستان و بلوچستان یا کردستان موافقت کردند. حضرت آیت‌الله منتظری در پایان این دیدار... گفت: در این ملاقات پیشنهاد تأسیس يك دانشگاه اسلامی در مناطق سیستان و بلوچستان یا کردستان که بیشتر برادران اهل سنت در آنجا زندگی می‌کنند مطرح شد تا در این دانشگاه فقه بر مبنای پنج مذهب که عبارت از مذاهب اربعه اهل سنت و نیز مذهب جعفری اثنی‌عشری است تدریس شود... که پیشنهاد مورد تأیید امام امت قرار گرفت» (ا*طلاعات*، 28/2/1359).

گفتنی است که در اوایل انقلاب چند مدرسه علمیۀ اهل سنت در مناطق گنبد و کردستان راه‌اندازی شد، اما تأسیس دانشگاه موضوعی جدید بود. در همین چارچوب، خبری دربارۀ ایجاد «یک دانشگاه اسلامی در کردستان» با «همکاری حوزۀ علمیۀ قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و برادران روحانی اهل تسنن» با هدف «پاسداری از جمهوری اسلامی ایران» درج شد (*اطلاعات*، 15/1/1361). حدود دو سال بعد، نمایندۀ مردم ترکمن صحرا در ستاد انقلاب فرهنگی مطرح کرد: «امام امت قبلاً در مورد تأسیس این دانشگاه (دانشگاه علوم اسلامی اهل سنت) دستوراتی به ستاد انقلاب فرهنگی صادر فرموده بودند و اخیراً نیز در این رابطه تأکید کردند که هر چه زودتر این دانشگاه در یکی از مناطق کردستان، بلوچستان یا ترکمن صحرا ایجاد شود» (*اطلاعات*، 23/7/1363). در ادامه، «ستاد فرهنگی طی 3 روز جلسات متعدد با اعضای کمیته ستاد متن پیش‌نویس و اساسنامۀ دانشگاه را... تنظیم نمود که پس از بررسی مقدماتی به تصویب کمیته منتخب ستاد انقلاب فرهنگی رسید». اندکی بعد، روحانیون گنبد و ترکمن­صحرا «در آستانۀ فرارسیدن هفتۀ وحدت» قطع‌نامه‌ای صادر کردند و طی آن «تأسیس یک شعبه از دانشگاه اسلامی در منطقۀ گنبد کاوس» را تقاضا کردند (*اطلاعات*، 15/9/1363). به نظر می‌رسد در ادامۀ این روند بالاخره در سال 1373 به همت «جمعی از دانشوران حوزه علمیه قم» آموزش آکادمیک مذاهب اسلامی (مذاهب کلامی) در دوره‌ای چهار ساله به ثمر رسید (سايت دانشگاه اديان و مذاهب). البته دانشگاه مذاهب اسلامی نیز با همین رویکرد در سال 1371 تأسیس شده است و شعبه‌های آن در سنندج، بندرعباس، زاهدان و گنبد کاووس در حال فعالیت هستند.

1. **دانشگاه امام صادق / جامعه الامام الصادق**

براساس تاریخچۀ رسمی دانشگاه امام صادق، این دانشگاه «در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی (۱۹۸۳ میلادی و ۱۴۰۲ هجری قمری) در تهران تأسیس شد» (سايت دانشگاه امام صادق). در خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی نیز می‌خوانیم: «دو سه سال بعد از انقلاب که تا اندازه‌ای بحران‌ها کاسته شد و گرفتاری‌های ما نیز کمتر شد، دوستان به فکر افتادند که این ایده‌ای که قبل از انقلاب داشتیم عملی شود، لذا هیات‌ موسس و هیات‌امنایی برای جامعه تشکیل شد» (خواجه‌سروی، 1385: 395). در کتاب *شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران* نیز آمده است: «دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در سال ۱۳۶۱ شمسی مقارن با سالروز ولادت حضرت محمد مصطفی(ص) و امام صادق(ع) به ریاست حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی تشکیل شد» (انتظاری، 1388). تازه‌ترین پژوهش به کوشش مهدی اسدی (اسدی، 1400: 85) نیز بهمن 1361 را زمان تأسیس این دانشگاه معرفی کرده است. با این حال، بر اساس مطالعۀ حاضر مشخص می­شود نخستین­بار در تیرماه 1359 و به مناسبت جشن‌های میلاد امام زمان نام این دانشگاه ذیل عنوان «دانشگاه اسلامی» آمده است: «آیت‌الله منتظری در جشنی که از سوی هیئت قائمیۀ تهران برگزار شده بود نخستین کلنگ دانشگاه اسلامی جامع الامام الصادق را به زمين زدند» (*اطلاعات*، 8/4/1359). در ادامه گفته شده بود این دانشگاه که «مستقل از دانشگاه‌های دیگر خواهد بود به سرپرستی آیت‌الله منتظری و کادر برگزیده ایشان مشغول کار خواهد شد» و هدف از تأسیس آن، توسعۀ زبان‌های بین‌المللی در میان استادان و مدرسین حوزه‌های علمیه به منظور گسترش تبلیغ دین اسلام و ویژگی‌های فرهنگ اسلامی در سطح جهانی؛ تبليغ گستردۀ مذهب تشیع در تمامی جهان با سایر دانشگاه‌ها؛ تبلیغ گستردۀ مذهب تشیع در تمامی جهان با استفاده از نظام روابط عمومی؛ و ایجاد گروه تحقیقی علوم جعفری است.

هرچند تأسیس هر دانشگاهی نیاز به پیش‌زمینۀ قانونی دارد، به نظر می­رسد در شرایط انقلابی و پرتنش آن زمان امکانی برای این امر مهیا نشد و در نتیجه، تأسیس این دانشگاه با پذیرش دانشجو در سال 1361 هم‌زمان تلقی شده است. نکتۀ دیگر دربارۀ این دانشگاه، استفاده مکرر از لفظ «دانشگاه اسلامی» است، از جمله در جریان اختلاف و درگیری با شهرداری بر سر یک قطعه زمین، از این عبارت استفاده شده است (*اطلاعات*، 29/4/1359). به این ترتیب، می‌توان اولین مصداق عینی دانشگاه اسلامی را در شهر تهران دانشگاه امام صادق معرفی کرد، چنان­که به گفته آیت‌الله مهدوی‌کنی: «در پی پیشنهاد آیت‌الله منتظری مبنی بر تأسیس یک دانشگاه اسلامی تحت نام جامعه امام صادق و پس از تنظیم اساسنامه و تعیین هیئت امنا... با اعضای هیئت و گروهی از مدرسین حوزۀ علمیۀ قم به حضور ایشان رسیدیم تا در مورد تعیین هیئت علمی برای برنامه‌ریزی آموزشی این مجتمع مذاکره کنیم». بر اساس این گزارش، داوطلبان دیپلمه و لیسانس «دارای صلاحیت‌های اخلاقی و استعداد» از طریق برگزاری کنکور پذیرش شده و «پس از گذراندن یک دورۀ شش ساله» فوق‌لیسانس دریافت می‌کنند. اشتغال این فارغ‌التحصیلان نیز به عنوان «مربی، محقق و مبلغ در دانشگاه‌ها و مؤسسات گوناگون» و هم‌چنین «برای سفارتخانه‌ها و اعزام به خارج از کشور» بیان شده و برنامۀ آموزشی دانشگاه یک دورۀ چهار سالۀ معلومات عمومی، دینی، ادبی و یک دورۀ دو سالۀ تخصصی در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و تربیت مبلغ معرفی می‌شود (*اطلاعات*، 24/12/1360).

نخستین اطلاعیه گزینش دانشجوی دانشگاه در 11 شهریور 1361 منتشر می‌شود (*اطلاعات*، 11/6/1361) و در آن «جهاد مقدس انسان‌سازی»، «ترویج حقایق سازندۀ اسلام در سطح جهان» و برآورده کردن «نیاز جمهوری اسلامی در داخل و خارج از نظر نیروهای مسئول آشنا به معارف اسلامی و کاردان» به عنوان اهداف و برنامه‌های دانشگاه معرفی و برنامه این مؤسسه یک دورۀ هفت ساله (چهار سال دورۀ عمومی و سه سال دورۀ تخصصی در رشته‌های اقتصاد اسلامی، حقوق سیاسی اسلام و تبلیغ و ارشاد اسلامی) ذکر شده است. آزمون ورودی نیز در 16 مهر به­صورت اختصاصی برگزار می‌شود (*اطلاعات*، 8/7/1361).

جالب آنکه دانشگاه در ابتدا قصد نداشت محدود به حوزه علوم انسانی بماند و بر مبنای یک اطلاعیه، دانشکدۀ علوم این دانشگاه قصد داشت دورۀ ریاضی تشکیل دهد تا 50 دانشجو دوره­ای چهار ساله را بگذرانند و با اخذ لیسانس فارغ‌التحصیل شوند. «اصول اعتقادات اسلامی، احکام اسلام، تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی، معلومات عمومی، زبان عربی و انگلیسی در حدود دیپلم ریاضی، زبان و ادبیات فارسی در حدود دیپلم ریاضی، مواد ریاضی در حدود دیپلم ریاضی و شیمی در حدود دیپلم ریاضی» مواد امتحانی این دانشکده بودند (*اطلاعات*، 24/7/1361). هر چند آزمون برگزار شد و دانشجویانی نیز قبول شدند، اما این دوره برگزار نگردید.

سرانجام دانشگاه امام صادق در 13 دی 1361 با پیام آیت‌الله منتظری افتتاح شد و آیت‌الله مهدوی‌کنی در مراسم افتتاح اعلام کرد که 250 دانشجو از بین 5300 داوطلب انتخاب شده‌اند، از اوائل بهمن ماه شروع به تحصیل می‌کنند و علاوه بر زبان عربی یکی از زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسه را آموزش می‌بینند. نهایتاً «وضعیت قانونی دانشگاه» با انتشار اطلاعیۀ وزارت فرهنگ و آموزش عالی در 10 شهریور 1363 روشن و اعلام شد که دانشگاه با مصوبۀ ستاد انقلاب فرهنگی و موافقت این وزارتخانه برنامۀ توسعه خود را براساس نظر ستاد را دنبال می‌کند (*اطلاعات*، 10/6/1363). مهدوی‌کنی نیز در گفت‌وگویی برنامۀ دانشگاه را به توسعه در «شهرهای دیگر» و پذیرش دو هزار دانشجو معرفی کرده است (*اطلاعات*، 22/7/1363)، اگرچه پیش از آن در مشهد کلنگ احداث مجتمع فرهنگی و ساختمان این دانشگاه در اسفند 1362 به زمین زده شده بود (*اطلاعات*، 27/12/1362).

1. **دانشگاه علوم اسلامی رضوی**

تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی به سال 1363 و «همت» آیت‌الله واعظ طبسی برمی­گردد (سایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی). با این­حال، نخستین خبر مربوط به این واحد آموزش عالی مربوط به بازدید رئیس مجلس شورای اسلامی از «ساختمان نیمه‌تمام دانشگاه اسلامی مشهد» در سال 1359 است (*اطلاعات*، 31/6/1359) که با بازدید نمایندۀ امام در اوقاف، رئیس صدا و سیما (*اطلاعات*، 16/9/1360) و وزیر فرهنگ و آموزش عالی (*اطلاعات*، 10/9/1360) ادامه می­یابد. البته طبسی اعلام می‌کند که «رهبر انقلاب اسلامی خط مشی دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد را ترسیم کردند» (*اطلاعات*، 9/10/1359) و دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد «از محل اعتبارات اهدائی آستان قدس رضوی ساخته می‌شود» و قرار است «به عنوان یکی از بزرگترین مراکز علمی در نشر معارف اسلامی نقش ارزندۀ خود را ایفا کند» (*اطلاعات*، 16/9/1360).

در دی ماه 1362 واعظ طبسی، وعده می­دهد دانشگاه علوم اسلامی «تا مهرماه آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت»؛ دانشگاهی که «جدا از حوزه‌های علمیه» نیست و تأکید می‌شود دانشجویان خود را از «حوزه‌ها» خواهد پذیرفت (*اطلاعات*، 17/10/1362). چند ماه بعد اعلام می­شود این دانشگاه «با ظرفیت ۲۰۰۰ دانشجو روز ۱۸ مرداد ماه سال جاری (1363) مصادف با میلاد حضرت امام رضا (ع) همراه با برگزاری کنگره حضرت رضا (ع) آغاز به کار» (*اطلاعات*، 13/3/1363) خواهد کرد.

در فرم پذیرش دانشجو روز 19 خرداد 1363 به عنوان زمان «افتتاح دانشگاه علوم اسلامی رضوی» اعلام و گفته می‌شود «برای تربیت فقیه، محقق، مدرس، مبلغ و اسلام‌شناسانی متقی»، دانشگاه 120 دانشجوی پسر را برای سال تحصیلی 1363 خواهد پذیرفت. همچنین برنامۀ دانشگاه دوره‌ای 5 ساله اعلام می­گردد (*اطلاعات*، 19/3/1363). به هر صورت، نخستین آزمون ورودی در 29 تیرماه 1363 برگزار و اسامی پذیرفته‌شدگان روز 16 مرداد ماه 1363 اعلام شد. جالب آنکه چند روز قبل از اعلام اسامی، خبر توسعه پذیرش به «600 نفر» و «تدریس دروس حوزه نظیر تفسیر، نهج‌البلاغه، تاریخ اسلام و هیأت و نجوم» منتشر می­شود و نیز اعلام می­شود فارغ‌التحصیلان مدرک فوق‌لیسانس دریافت خواهند کرد (*اطلاعات*، 4/5/1363).

در همین دورۀ زمانی یعنی مردادماه 1363 خبری از «اولین کلنگ بنای ساختمان دانشگاه علوم اسلامی قوچان» نیز منتشر شده است. در این مراسم تولیت آستان قدس کلنگ دانشگاه را به زمین می‌زند و اعلام می‌شود این دانشگاه برای تأمین «نیروهای فکری و فرهنگی» یعنی «نیروهایی که بتوانند اسلام و مسائل اسلامی را در ابعاد گوناگون بشناسند و با شناخت کافی اهداف و مقررات اسلامی را در حوزه مسئولیتشان پیاده کنند» احداث می‌شود (*اطلاعات*، 24/5/1363).

1. **دانشگاه تربیت مدرس**

چنان­که پیشتر گفته شد، یکی از مطالبات عمومی در اوایل انقلاب ایجاد «رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد» بود (*اطلاعات*، 23/2/1358). با توجه به وقوع انقلاب و روند مهاجرت، تبعید، پاکسازی و تصفیۀ استادان، این نیاز روز به روز بیشتر در آگهی‌های فراخوان استخدام هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور دیده می‌شد. از این‌رو، ایدۀ تأسیس مرکزی برای تربیت استادان دانشگاه پدید آمد و بالاخره مدرسه تربیت مدرس در سال 1360 بنیان‌گذاری و اساسنامۀ موقت آن هم در 17 اسفند همین سال تصویب شد (فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی).

وزارت فرهنگ و آموزش عالی با انتشار اطلاعیه‌ای یک‌ونیم صفحه­ای در روزنامۀ اطلاعات اعلام کرد این مدرسه با هدف «تربیت مدرس برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» راه­اندازی می­شود، گزینش دانشجو شش ماه یک‌بار صورت می‌گیرد و در «دورۀ اول و دوم درصدی از تعداد مورد نیاز برای هر رشته در اختیار نهادهای انقلابی قرار می‌گیرد و شامل کسانی خواهد شد که حداقل یک سال در شرائط رضایت‌بخش در یکی از نهادهای انقلاب اسلامی خدمت کرده باشند». همچنین گفته شده بود که مدت دوره سه ساله است و فارغ‌التحصیلان آن پس از اتمام دوره در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس خواهند پرداخت. در این اطلاعیه، نام 77 رشته‌ مانند پزشکی، پرستاری، داروسازی، ویروس‌شناسی، کشاورزی، علوم پایه و فنی ذکر شده بود (*اطلاعات*، 27/12/1360). اندکی بعد اعلام شد امتحان ورودی طي دو مرحله در 31 خرداد 1361 در دانشگاه ملی ایران برگزار می‌شود (*اطلاعات*، 26/3/1361)، اما برگزاری آزمون 13 رشتۀ علوم انسانی 22 مرداد «در مدرسۀ عالی بازرگانی سابق» صورت گرفت. همچنین شرط پذیرش دانشجویان «تعهد و تخصص» خوانده (*اطلاعات*، 23/5/1361) و محل دانشگاه نیز در «دانشگاه ملی» (*اطلاعات*، 25/7/1361) اعلام شده بود.

جالب آنکه در اطلاعیۀ دیگری درباره نتایج نخستین آزمون ورودی رشته‌های مختلف پزشکی، فنی‌ومهندسی، علوم پایه و کشاورزی آمده است: «برحسب معیارهای علمی تعیین‌شده توسط ستاد انقلاب فرهنگی متأسفانه در هیچ یک از [این] رشته‌ها تعداد کافی پذیرفته‌شده برای تشکیل کلاس حائز نگردید... بر اساس تصميم ستاد انقلاب فرهنگی داوطلبانی که واجد صلاحیت علمی و اخلاقی بوده‌اند، ليكن تعداد آنها برای تشکیل کلاس کافی نبوده است، قبول تلقی می‌شوند. زمان تشکیل کلاس‌های آنها با پذیرفته‌شدگان دورۀ آینده تربیت مدرس يعني احتمالاً در نیمۀ دوم سال تحصیلی 61-62 خواهد بود» (*اطلاعات*، 5/7/1361). گروه علوم انسانی هم همین وضعیت را داشت و «در هيچ يك از رشته‌ها تعداد کافی پذیرفته‌شده برای دائر شدن دوره حائز نگردید. از طرفي، نظر به اهمیت شروع اولین دورۀ علوم انسانی مدرسه، ستاد انقلاب فرهنگی در نظر دارد بر معیار صلاحیت‌های عمومی و همچنین معدل لیسانس و مصاحبه تعدادی را بپذیرد. لذا از میان شرکت‌کنندگان در آزمون کسانی که واجد شرایط فوق باشند انتخاب و اسامی آنها متعاقباً اعلام می‌شود» (*اطلاعات*، 29/7/1361).

فراخوان رشته‌های پزشکی، فنی‌ومهندسی و کشاورزی (فقط مرد) بار دیگر در 13 آبان 1361 منتشر می‌شود (*اطلاعات*، 13/8/1361) و نهایتاً اسامی داوطلبان پذیرفته‌شده شامل 14 نفر در گروه پزشکی، 10 نفر در گروه فنی‌و مهندسی، 7 نفر در گروه علوم پایه و 8 نفر در گروه کشاورزی اعلام می‌شود (*اطلاعات*، 20/8/1361). در اطلاعیۀ بعدی شرط معدل داوطلبان از 3 به 2.5 کاهش پیدا می‌کند و فراخوان گروه‌های پزشکی، فنی‌ومهندسی و کشاورزی تکرار می‌شود (*اطلاعات*، 22/8/1361).

سرانجام 29 آبان 1361 مدرسۀ تربیت مدرس «طی مراسمی در محل دانشکدۀ سابق حقوق دانشگاه ملی گشایش یافت» که در این مراسم نجفی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، علی شریعتمداری، احمد احمدی، عبدالکریم سروش و عزیزالله خوشوقت حضور داشتند. نجفی در این مراسم «ضمن تأکید بر اهمیت تأسیس مدرسۀ تربیت مدرس... اظهار امیدواری کرد که با استفاده از شیوه‌های اسلامی در این مدرسه اساتیدی تربیت شوند که ضمن داشتن اخلاق و تفکر اسلامی، بیش از پیش با نیازهای واقعی بنیادین جامعه و به ويژه نیازهای طبقۀ محروم آشنا شده و در خدمت مستضعفین قرار گیرند». علی شریعتمداری نیز در سخنان خود «در رابطه با لزوم استفاده از شیوه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها گفت: انتظار ما این است که آنچه در حوزه‌های علمیه در زمینۀ تقواپیشگی، علم‌دوستی و مجاهده با نفس صورت می‌گیرد، در مدرسۀ تربیت مدرس نیز حاکم باشد». ثنائی، نخستین رئیس مدرسۀ تربیت مدرس، اعلام کرد: «از فردا (30 آبان 1361) نخستین دورۀ آموزش تربیت مدرس با شرکت 106 دانشجو در 10 رشته آغاز به کار می‌کند» (*اطلاعات*، 30/8/1361). با این حال، روزنامۀ اطلاعات خبر از افتتاح اولین دورۀ علوم تجربی (پزشکی، فنی‌ومهندسی، کشاورزی و علوم پایه) در 24 اردیبهشت 1362 به مناسبت روز پاسدار در محل فعلی دانشگاه تربیت مدرس داده است (*اطلاعات*، 22/2/1362).

به نظر می­رسد درباره نحوه فعالیت مدرسه تربیت مدرس تا مدتی ابهام وجود داشته است. در حالی­که ابتدا اعلام شده بود دانشجویان بعد از گذراندن ۱۸ هفته آموزش عمومی، برای گذراندن دوره‌های تخصصی به دانشگاه‌های مجری معرفی خواهند شد» (*اطلاعات*، 30/8/1361)، اندکی بعد گفته شد به مجلس پیشنهاد شده است که مدرسۀ تربیت مدرس مقطعی از مقاطع تحصیلی در دانشگاه تربیت معلم باشد و «فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی‌ارشد پس از قبول شدن در گزینش مدرسه و گذراندن سایر دروس تعیین‌شده برای این مدرسه، جزو فارغ‌التحصیلان مدرسۀ تربیت مدرس محسوب» شوند (*اطلاعات*، 27/10/1362).

در هر صورت، نخستین فارغ‌التحصیلی دورۀ کارشناسی‌ارشد در سال 1364 بوده است و در سال 1365 با تغییر اساسنامه مدرسه به دانشگاه تربیت مدرس تبدیل می­شود (سايت دانشگاه تربيت مدرس).

1. **دانشگاه آزاد اسلامی**

کمبود استاد، تعطیلی دانشگاه‌ها و ملاک‌های اختصاصی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های تازه‌تأسیس انقلاب فرهنگی نیاز جامعه و داوطلبان را پاسخ نمی‌گفت. به­رغم مهاجرت برخی از داوطلبان به کشورهای دیگر برای ادامۀ تحصیل و اعزام تعدادی از جوانان به جبهه‌های جنگ، داوطلبان زیادی پشت درهای بسته دانشگاه‌ها منتظر تغییر شرایط بودند. هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعۀ 31 اردیبهشت 1361 گفت: «این ننگ مسلمان‌هاست که بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا و اروپا می‌روند. اگر تبلور کرامت خداوند در علم انسان است آیا ما باید بپذیریم که 10 سال دیگر بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا بروند؟ اگر این چنین باشد پس ما مسلمان نیستیم... اگر امروز امکانات ما كافی نیست که هر کسی که طالب تحصیلات عالیه است بتواند به دانشگاه برود، فکر کنیم که هیچ طالب علمی از تحصیل محروم نشود. یکی از طرق آن هم این است که از همین امسال در هر نقطه مراکزی درست کنیم به نام دانشگاه آزاد، دانشگاه واقعی نه مانند رژیم گذشته، که مواد تحصیلی را به سبک حوزۀ علمیه بخوانند. در مراکز استان‌ها جاهائی را در نظر بگیریم و کسانی را که صلاحیت‌های فکری دارند بپذیریم. وارد آنجا که شدند در کلاس‌هائی آنها را تقسیم کنیم و فقط آزمونی برای تعیین صلاحیت آنها بگذاریم و مدرک دیپلم و غیره مد نظر نباشد. هرکس می‌خواهد بیاید و شرکت کند و هزینه‌های آن را هم از محل وجوه خیریه می‌شود تأمین کرد» (*اطلاعات*، 1/3/1361).

به دنبال این پیشنهاد، جهاد دانشگاهی و انجمن­های اسلامی برخی دانشگاه­ها از این طرح پشتیبانی کردند (*اطلاعات*، 3، 5 و 25/3/1361) و وزیر فرهنگ و آموزش عالی نیز در پیامی «برای همه‌گونه همکاری و مشارکت» دربارۀ طرح ایجاد دانشگاه‌های آزاد اعلام آمادگی کرد. وی پیشنهاد هاشمی را «نقطۀ شروعی برای فعالیت و مشارکت مستقیم روحانیون، دانشگاهیان و امت شهیدپرور ایران در رفع نابسامانی‌های آموزش عالی» می‌خواند (*اطلاعات*، 5/3/1361). مدتی بعد، امام دانشگاه آزاد را راهی برای جلوگیری از خروج جوانان از کشور برای ادامه تحصیل می‌خواند و تأکید می‌کند این دانشگاه باید «مردمی» شود (*اطلاعات*، 25/8/1362). در همین ماه نخستین اساسنامه دانشگاه در ستاد انقلاب فرهنگی به تصویب رسید (وب­سایت دانشگاه آزاد اسلامی).

نخستین واحد دانشگاه آزاد اسلامی با نام تهران مرکزی در ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ تشکیل و نخستین واحد شهرستانی هم در تبریز در ۲۳ آبان ۱۳۶۱ راه‌اندازی شد (سايت دانشگاه آزاد اسلامي). در فرم اولیه همکاری با دانشگاه آزاد اسلامی، این نهاد به­عنوان «نهادی جدید برای تعمیم تخصص به توده‌های مسلمان ایران» (*اطلاعات*، 18/6/1361) و در گزارشی دیگر به­عنوان «یک مرکز بسیج علمی و یک سیستم هماهنگ‌کننده جهت بهره‌وری بیشتر از امکانات علمی و آموزشی و فنی موجود و جذب نیروها و امکانات پراکندۀ کشور» معرفی شده است (*اطلاعات*، 9/10/1361). جالب آنکه در تبلیغات اولیه این دانشگاه خود را دارای «ویژگی‌های منحصر به فرد» می‌خواند و هیچ محدودیتی برای داوطلبان به جز شرط «نداشتن انحرافات اخلاقی و اعتیادات مضره و نیز انحرافات سیاسی» مطرح نمی‌کند. همچنین اعلام می­شود: «از دانشجویان شهریۀ تحصیلی دریافت نمی‌شود» (*اطلاعات*، 26/10/1361). نخستین آزمون ورودی دانشگاه در 20 اسفند 1361 مجزا از دیگر آزمون‌ها و در هشت شهر برگزار می‌شود (*اطلاعات*، 19/12/1361)

هرچند انتظاری می‌گوید این دانشگاه با پذیرش 17 دانشجوی کاردانی و 222 دانشجوی کارشناسی کار خود را آغاز کرده است (انتظاری، 1388: 86)، اما از گزارش­های خبری درمی‌یابیم دانشگاه آزاد اسلامی 2 هزار و 750 دانشجو پذیرفته و قرار است دوره‌های تک‌درس و دورۀ تحقیقاتی (دکتری) از مهر 1362 برگزار شود (*اطلاعات*، 3/6/1362). دوره‌های تک‌درس با تدریس کسانی چون جلال‌الدین فارسی، عبدالله جاسبی و همایون الهی ابتدا در تهران (*اطلاعات*، 27/11/1362) و سپس در تبریز (*اطلاعات*، 3/12/1362) آغاز می‌شود و جاسبی خبر از پذیرش دانشجو برای دورۀ تحقیقات عالی (دکتری) می‌دهد (*اطلاعات*، 21/3/1363). البته قرار می­شود دورۀ دکتری در رشته­های علوم انسانی در اولویت کار دانشگاه باشد (*اطلاعات*، 4/9/1363) و در گام بعدی رشتۀ پزشکی پذیرش دانشجو کند (*اطلاعات*، 11/6/1363).

گزارش­های روزنامۀ *اطلاعات*، چهره این دانشگاه را از دیگر مراکز تأسیس‌شدۀ دانشگاهی بعد از انقلاب متفاوت می‌سازد؛ هر چند در نام دانشگاه عنوان «اسلامی» آمده است در شرایط گزینش دانشجو معیارهای گزینشی و اخلاقی و مواد امتحانی اسلامی در اولویت نیست؛ منابع مالی دانشگاه مردمی است؛ آموزش‌ها محدود به هدفی خاص و ایدئولوژیک نیست، بلکه پذیرش دانشجو به تعداد زیاد و کاهش مطالبۀ کمبود صندلی دانشگاه است؛ و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای اسلامی‌سازی مانع توسعۀ دانشگاه نمی­شود. شاید این ویژگی‌ها را بتوان به­طور خلاصه در دو عامل ترکیب ساختار مدیریتی دانشگاه و پراکندگی شعبه‌های آن دانست.

1. **دانشگاه بین‌المللی اسلامی**

موضوع تأسیس یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی با طرح لایحه­ای در مجلس به تاریخ 5 اردیبهشت 1362 آغاز می‌شود (*اطلاعات*، 6/2/1362). این ایده در مجلس موافقان و مخالفانی داشت؛ مخالفان به مشکلاتی چون وجود متقاضیان داخلی، کمبود بودجه، طولانی بودن فرآیند احداث دانشگاه و دست نیافتن به هدف صدور انقلاب در اسرع وقت اشاره می‌کنند و موافقان آن را «مقدمۀ آرزوی» داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی خواندند. وزیر فرهنگ هم بیان کرد: «انگیزه‌های اصلی تهیۀ یک چنین طرحی ابتدا مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است و یک مقداری هم مسائل و برخوردهای اجرائی این انگیزه را در ما مطرح کرده است. از جمله تقاضای عدۀ زیادی از کشورها به خصوص کشورهای عربی و آفریقایی مبنی بر تحصیل در جمهوری اسلامی ایران که متأسفانه دانشگاه‌های فعلی ما امکان پذیرش آنها را به تعداد زیاد ندارد. و نیز عده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها حتی اساتید غیرمسلمان، تقاضای تدریس در دانشگاه‌های ایران را داشتند... در مورد ایراداتی که برخی از برادران می‌گرفتند، یکی کمبود استاد بود که ما هم یک چنین کمبودی را قبول داریم و مقدار زیادی از این کمبود را می‌توانیم با اساتید خارجی که در حال حاضر آماده‌اند که به ایران بیایند، جبران کنیم». در ادامه، لايحۀ تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران به تصویب رسید.

با تصویب قانون دانشگاه در 19 دی 1362، فعالیت آموزشی آن با عنوان دانشگاه بین‌المللی اسلامی آغاز شد و در سال ١٣٧٠ پس از ادغام مجتمع آموزش عالی دهخدا در آن به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) تغییر نام یافت (وب­سايت دانشگاه بين­المللي امام خميني).[[8]](#footnote-8)

**ایده‌ای مبهم**

در اواسط سال 1363 خبر دیدار هیات امنای جامعه الامام صادق با آیت‌الله‌ منتظری منتشر شد که در این دیدار «مسئلۀ پیگیری پیشنهاد اخير حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری در مورد اقدام دانشگاه‌های ایران نسبت به تشکیل کلاس‌های معارف اسلامی برای برادران فلسطینی هم‌زمان با اجرای طرح اخراج اسرائیل غاصب از سازمان ملل که از طرف جمهوری اسلامی ایران تعقیب می‌شود، مطرح شد و مذاکراتی پیرامون مشکلات موجود و کیفیت شروع این کار توسط دانشگاه امام صادق با تأسیس دانشکده‌ای به نام قدس که زیر نظر جامعه الامام صادق کار کند، به عمل آمد» (*اطلاعات*، 21/7/1363).

یک­روز بعد، مهدوی‌کنی گفت: «در دیدار اخیر با حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری ایشان پیشنهاد فرمودند ترتیبی داده شود یک دانشگاهی نیز تحت عنوان دانشگاه قدس در یکی از ممالک اسلامی عربی تأسیس شود که این دانشگاه منبع و مرکز دانشجویانی باشد که برای آزادی قدس جهاد می‌کنند» (*اطلاعات*، 22/7/1363). از طرف سفیر فلسطین در تهران نیز در تلگرامی از طرح تأسیس دانشگاه قدس استقبال و گفته شد که فرزندان فلسطین «با سپاس و ستایش دعوت شما را به گشایش دانشگاه‌ها و دانشکده‌های نظامی برای فلسطینیان دریافت نمودند» (*اطلاعات*، 24/7/1363).

به این ترتیب، ایده‌ای مبهم از تشکیل دانشکده‌ای در دانشگاه امام صادق تا احداث دانشگاه در یکی از کشورهای عربی و گشایش دانشگاه نظامی برای فلسطینیان با نام دانشگاه قدس دیده می­شود که بررسی سرانجام آن و ریشه‌های آن در دانشگاه‌های کنونی کشور نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است.

در ذیل، جمع­بندی مباحث در قالب یک جدول آمده است.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام مرکز آموزش عالی** | **تاریخ انتشار اولین خبر** | **هدف و انگیزه تاسیس** | **نحوه پذیرش دانشجو** | **منابع مالی** | **نخستین مدیر** | **تاریخ اولین پذیرش** | **مکان** | **شیوه مدیریت** | **توضیحات** |
| مدرسۀ عالی علوم قضایی و تربیتی قم | دی 1358 | تربیت قاضی مورد تأیید نظام جدید | آزمون اختصاصی | غیرانتفاعی | مهدی قاضی | 1361 | قم | شورای سرپرستی وزارت دادگستری و جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیۀ قم | تبدیل به دانشگاه قم در 31 خرداد 1376 |
| دانشگاه اهل سنت | اردیبهشت 1359 | پاسداری از جمهوری اسلامی |  |  |  | - | کردستان/بلوچستان/ ترکمن صحرا | حوزۀ علمیۀ قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و روحانیون اهل تسنن | تبدیل ایده به دانشگاه مذاهب اسلامی در سال 1371 |
| دانشگاه امام صادق (ع) | تیر 1359 | ترویج اسلام در جهان و تربیت نیروهای مسئول | آزمون اختصاصی | غیرانتفاعی | آیت‌الله مهدوی‌کنی | 1361 | تهران | هیئت امناء به ریاست آیت­الله منتظری | تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه |
| دانشگاه علوم اسلامی رضوی | شهریور 1359 | نشر معارف اسلامی و احیای حوزه | آزمون اختصاصی | غیرانتفاعی(آستان قدس رضوی) | آیت‌الله واعظ طبسی | 1363 | مشهد | هیئت امنا به ریاست آیت­الله واعظ طبسی | تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه |
| دانشگاه تربیت مدرس | اسفند 1360 | تربیت مدرس برای دانشگاه­ها | آزمون اختصاصی | دولتی | سنائی | 1361 | تهران | هیئت امناء زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی | تبدیل مدرسه به دانشگاه در سال 1365 |
| دانشگاه آزاد اسلامی | خرداد 1361 | تعمیم تخصص به توده‌ها و جلوگیری از خروج جوانان از کشور | آزمون اختصاصی | غیرانتفاعی | عبدالله جاسبی | 1362 | تهران و هفت شهر | هیئت امناء به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی | برداشتن ممنوعیت سن و شرایط دیگر دانشگاه‌ها |
| دانشگاه بین‌المللی اسلامی | اردیبهشت 1362 | رفع تقاضای دانشجویان خارجی | آزمون سراسری | دولتی | محمد معروف مشاط | 1362 | قزوین | هیئت امناء زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی | تبدیل به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در سال 1370 |

**نتیجه‌گیری**

این مطالعه یکی از پاسخ‌هایی است که می‌توان به پرسش کلی «پیامدهای آگاهانه انقلاب فرهنگی چه بود؟» ارائه کرد و تلاش کرده است روایت روزنامۀ اطلاعات را (در بازۀ زمانی 12 بهمن 1357 تا 12 بهمن 1363) دربارۀ دانشگاه‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند بیان کند.

این مطالعه، از رهگذر بازخوانی روزنامه یادشده، نشان می‌دهد که دوره انقلاب فرهنگی صرفا دوران انحلال / ادغام دانشگاه‌ها نبوده، بلکه دوره تأسیس دانشگاه­های جدیدی بر اساس ایدئولوژی نظام انقلابی و همچنین خواسته‌ها و نیازهای روز جامعه بوده است. به عبارت دیگر، دانشگاه‌های تازه‌تأسیس پاسخی به یکی از نیازهای جامعۀ انقلابی بود‌ه‌اند؛ تحصیل علم، خودسازی، بیکاری، فرار از سربازی، نیاز اقلیت‌ها (تحصیل علوم اهل سنت و تدریس به زبان مادری)، تربیت قاضی باصلاحیت، پرورش مدرس برای دانشگاه‌ها و تأمین کادر آموزش عالی، تبلیغ انقلاب و جمهوری اسلامی، تربیت مدیران نظام جدید در داخل و خارج، پرورش حوزویان به شکل دانشگاهی، پذیرش متقاضی به تعداد زیاد، تربیت مهندسان متعهد، آرزوی داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی و تأسیس دانشگاه در کشورهای اسلامی و ... بنابراین، راه­اندازی این نهادهای جدید آموزش عالی هم خواست حاکمیت برای تثبیت قدرت سیاسی و هم به واسطه نیاز جامعه به تحصیل و پیشرفت بوده است. لذا می‌توان تأسیس این واحدهای جدید آموزش عالی را «عامدانه» و «آگاهانه» دانست.

جالب اینجاست که اغلب دانشگاه‌‌های تازه تاسیس اولویت را به رشته‌های علوم انسانی و حوزه نظری می­دهند و نیاز جامعه به متخصصان فنی و پزشکی در چارچوب توسعۀ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موجود دنبال شده است. در این میان، نباید تجربه دانشگاه آزاد اسلامی را دست کم گرفت. درواقع، هر چند نگاه ستاد انقلاب فرهنگی به نهاد دانشگاه، «اسلامی‌سازی» آن است اما در برابر مطالبه عمومی جامعه، دانشگاهی مجزا از سیستم آموزش عالی دولتی برای پاسخگویی به نیاز داوطلبان ورود به دانشگاه و زیر نظر مسئولان نظام تأسیس می‌شود که به سرعت هم گسترش می­یابد. بر اساس مطالعات پیشین، دانشگاه‌های ایده‌آل ستاد انقلاب فرهنگی ترکیبی از سبک تحصیل حوزوی و تدریس دانشگاهی است و با همین دید تاریخ دانشگاه­های امام صادق و تربیت مدرس برجسته می­شود. با این حال، رشد و گسترش سریع دانشگاه آزاد اسلامی که نوعی پاسخگویی عملی به نیازهای جامعه در دوره انقلاب فرهنگی محسوب می­شود، نکته مهمی است که نباید از آن غافل ماند.

از سوی دیگر، با توجه به کمبود بودجه، چالش‌های اداری نظام پساانقلابی، ایده‌های ستاد انقلاب فرهنگی و نگاه نخبگان سیاسی به دانشگاه‌های موجود، تعدادی از دانشگاه‌های تازه­تاسیس از نظر مالی از سیستم دولتی جدا می‌شوند: دانشگاه امام صادق و مدرسۀ عالی علوم قضایی و تربیتی قم به شکل غیرانتفاعی، دانشگاه علوم رضوی وابسته به آستان قدس رضوی و دانشگاه آزاد اسلامی از منابع مردمی تأمین می‌شوند.

نهایت آنکه، فقر علمی در ایران پس از انقلاب خود را در فراز و نشیب­های تأسیس دانشگاه تربیت مدرس به روشنی نشان می­دهد؛ مهاجرت، تبعید، پاکسازی و تصفیۀ استادان یکی از پیامدهای آشکار انقلاب فرهنگی بود که نتیجه چنین امری، تا حدودی، در شکست آزمون‌های ورودی دوره اول و دوم مدرسه تربیت مدرس به چشم می­خورد. شاید بتوان این گونه گفت که ایدئال‌گرایی‌ها و تصفیه گسترده استادان و دانشجویان، جامعه را با کمبود استاد و خلاء علمی مواجه کرد و واقعیت‌های جامعه نظیر تبعات انقلاب و شرایط جنگی آرمان‌های نخستین ستاد انقلاب فرهنگی را به حداقل‌های ممکن تقلیل داد. وقفه در شروع به کار دانشگاه تربیت مدرس، موج گسترده اقبال به دانشگاه آزاد اسلامی، سخت‌گیری در پذیرش دانشجو و انعطاف در جذب استادان دانشگاه امام صادق، ابهام در ایده تأسیس دانشگاه اسلامی و گم شدن آرزوی تأسیس دانشگاهی در کشورهای اسلامی دیگر نمونه‌هایی از غلبه واقعیت بر رؤیاهای انقلابیون است که پایه­گذار تحولات بعدی آموزش عالی ایران در سال­های بعد می­شود.

**منابع:**

1. *آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی 1356-1357* ( 1358)، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش عالی، نشریه شماره 64.
2. انتظاری، یعقوب (1388)، *شصت سال آموزش عالی تحقیقات و فناوری در ایران*، تهران: مؤسسۀ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
3. بذرافشان، مجتبی (مصاحبه)، خبرگزاری *ایسنا،* 10/12/1391.
4. حسینی، سید حجت­الحق (1397)، *تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ویراست دوم.
5. خواجه‌سروی، غلامرضا (1385)، *خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب‌ اسلامی.
6. رضایی، محمد؛ کاظمی، عباس؛ طاهری­کیا، حامد (1396)، «چهار روز از حیات دانشگاه پس از انقلاب: 30 فروردین تا 2 اردیبهشت 1359»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره 10، شماره 1.
7. روزنامه *اطلاعات*، شماره­های مختلف، 1357 تا 1363.
8. *روزنامه رسمي*، 15/10/1365.
9. *روند شکل­گیری دانشگاه آزاد اسلامی* (1370)، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
10. شرف‌زاده بردر، محمد (1383)، *انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی.
11. صفارزاده، جلال (1397)، *تاریخچه دانشگاه‌ها در ایران*، تهران: پارس کتاب‏
12. طاهری‌کیا، حامد (1396)، *چگونگی شکل­گیری سوژه­های سیاسی در دانشگاه (بررسی موردی دانشگاه امیر کبیر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران)*، رساله دکتری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
13. *فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی (بی­تا)*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی.
14. فراستخواه، مقصود (1388)، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*، تهران: رسا.
15. گلکار، سعید (1387)، *بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب، 1357 -1384*، رساله دکتری، گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران.
16. هوشمند، احسان (دی 1400)، «انقلاب فرهنگی در ایران بررسی چگونگی و فرآیند وقوع پدید انقلاب فرهنگی»، فصلنامه *چشم‌انداز ایران؛ ویژه‌نامه دانشگاه در تعلیق*.
17. Mojab, S. (1991), *The State and University: The "Islamic Cultural Revolution" in the Institutions of Higher Education of Iran, 1980-87*.  PHD diss. University of Illinois.
18. *Tarbiat Modarres University* (2002), Tehran: TMU Press.
19. وب­سایت دانشگاه آزاد اسلامی، بخش تاریخچه: https://b2n.ir/y08561
20. وب­سایت دانشگاه ادیان و مذاهب، بخش تاریخچه: https://b2n.ir/e96238
21. وب­سایت دانشگاه امام صادق، بخش دانشگاه در یک نگاه: https://b2n.ir/q78642
22. وب­سایت دانشگاه بین­المللی امام خمینی، بخش معرفی: http://www.ikiu.ac.ir/fa/page-view.php?pid=416
23. وب سایت دانشگاه تربیت مدرس، بخش تاریخچه: https://b2n.ir/u57378
24. وب­سایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بخش مقدمه: <https://b2n.ir/y14826>
25. وب­سایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری: https://b2n.ir/t24661
26. وب­سایت دانشگاه قم، بخش تاسیس: https://b2n.ir/a53047
27. وب­سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی: https://sccr.ir
28. وب­سایت مرکز پژوهش­های مجلس: https://rc.majlis.ir/fa/law/
1. . گروه علوم ارتباطات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامي، تهران، ايران، m.peiman@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. . عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه­ای، دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، .a.nabavi@ut.ac.ir [↑](#footnote-ref-2)
3. . استادیار پژوهشی، جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، soraya.ahmadi@gmail.com [↑](#footnote-ref-3)
4. . از جمله دانشگاه‌های نیروهای نظامی اعم از زمینی، دریائی و هوائی، مدارس عالی پرستاری و حفاظت و بهداشت کار، و دانشکدۀ علوم قضائی و خدمات اداری، مدرسۀ عالی شهید هاشمی‌نژاد و هم‌چنین مراکز آموزش وزارت امور خارجه و آموزش هنر وزارت ارشاد که اغلب ادامۀ ایده‌های پیش از انقلاب بوده‌اند. [↑](#footnote-ref-4)
5. . اختلاف نظر درباره علم دینی، اسلامی­سازی / بومی­سازی علوم و... از همان ابتدا وجود داشت و همچنان هم ادامه دارد. اهمیت این موضوع اقتضا می­کند که در مجالی دیگر و به تفصیل بررسی و تحلیل شود، هرچند کافی است اشاره شود تاکنون صدها کتاب، مقاله و پایان­نامه در این زمینه تدوین شده است که از آن جمله می­توان به آثار عطا حشمتی، علیرضا شجاعی­زند، حسین سوزنچی و علی پایا اشاره کرد. [↑](#footnote-ref-5)
6. . اعتصابات سراسری از 14 آبان 1357 آغاز شد و به طور مثال در میان مطبوعات تا 15 دی ادامه یافت. [↑](#footnote-ref-6)
7. . برای رفع ابهام به تاریخچه دانشگاه‌ها در سایت‌های رسمی آنها نیز رجوع شده است. [↑](#footnote-ref-7)
8. . در میان دانشگاه‌های بعد از انقلاب اسلامی نام یک دانشگاه دیگر؛ یعنی دانشگاه صنعتی امام باقر (ع)، هم به چشم می­خورد. این نام نخستین­بار در 22 مرداد 1363 آمده است: «نمایشگاهی از ۲۰ طرح تحقیقاتی جهاد دانشگاهی از روز چهارشنبه هفتۀ گذشته توسط جهاد دانشگاهی دانشکدۀ برق دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) تشکیل شد» (*اطلاعات*، 22/5/1363). این نام بار دیگر همراه با جهاد دانشگاهی در قالب اطلاعیه‌ای به این شرح دیده می‌شود: «بدین وسیله به اطلاع کلیۀ ارگان‌ها و نهادها و دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها کتابخانه‌ها و شرکت‌های مشاور سراسر کشور می‌رساند که تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمار ایستگاه‌های باران‌سنجی ثبات 34 ایستگاه سازمان هواشناسی کشور در يك جلد از طرف جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امام باقر(ع) تهیه شده قابل عرضه می‌باشد» (*اطلاعات*، 26/7/1363). سرانجام در گزارشی با تیتر «گرامی‌داشت سالروز ولادت امام محمد باقر (ع) در دانشکدۀ برق دانشگاه صنعتی امام محمد باقر(ع)» گفته می‌شود؛ بطحائی سرپرست و سید ابوالفضل موسوی تبریزی نمایندۀ آیت‌الله منتظری در اين دانشگاه بوده‌اند و «ادامۀ تحصیل دانشجویان تا سطح کارشناسی‌ارشد» امکان‌پذیر بوده است (*اطلاعات*، 6/8/1363).

پس از بررسی بیشتر مشخص شد این دانشگاه تازه­تاسیس نبوده و در سال 1359 از ادغام 13 مرکز آموزش عالی به شکل کنونی و با نام مجتمع فنی و مهندسی تشکیل شده است. نام مجتمع در سال 1362 به دانشگاه فنی و مهندسی و در سال 1367، با نظر شورای گسترش آموزش عالی، به خواجه نصیرالدین طوسی تبدیل شد. نکته اینجاست که این واحد آموزش عالی در سال 1363، با موافقت شورای بازگشایی و نوگشایی دفتر گسترش آموزش عالی، برای مدت کوتاهی به عنوان دانشگاه فنی و مهندسی امام باقر (ع) خوانده شده است (حسینی، 1397). [↑](#footnote-ref-8)